

### پاسخ آزمون ۳: درس (۳) فارسی ششم دبستان

۱- درست [۱۷]

۲- نادرست [۴۷]

۳- در زمان قدیم (گذشته) پادشاهی بود که به شکار و گردش علاقه داشت و پیوسته به مقصد (هدف) شکار، اسب می‌تاخت و کمند (طناب) در گردن حیوانات می‌انداخت. این پادشاه بازی داست که به پرواز، پرندگان را از آسمان فرود می‌آورد (پایین می‌آورد) [۴۴] و [۴۷]

۴- ترک ← جعبه یا کیسه‌ای که در آن چیزی می‌گذارند.

رکاب‌دار ← پیاده‌ای که همراه سوار راه می‌رود.

خرمن ← توده و مقدار انبوهی از هر چیز

مرکب ← هر آنچه بر آن سوار شوند. [۴۷] و [۵۳]

۵- [۱۷]

■ لاف از سخن چو در توان زد / آن خشت بود که پر توان زد [۳] جمله [۱]

■ آب ار چه همه زلال خیزد / از خوردن پر، ملال خیزد. [۲] جمله [۲]

■ یک دسته گل دماغ پرور / از خرمن صد گیاه بهتر [۱] جمله [۳]

جمله [۴]

۶- گزینه‌ی «۲» [۵۵]

۷- گزینه‌ی «۴» [۵۰]

۸- گزینه‌ی «۲» [۴۷] و [۵۳]

۹- گزینه‌ی «۳» [۴۲]

۱۰- گزینه‌ی «۳» [۵۱] و [۵۴]

۱۱- در شرح حال نویسی باید به زمان، محل تولد، محل زندگی، ویژگی‌های خلقی و جسمی، وقایع مهم زندگی و ... توجه کرد. [۴۹]

۱۲- سرعت زیاد پادشاه [۴۷]

۱۳- [۳۵]

جمله	نهاد	فعل
رکاب‌دار سراسیمه از کوه پایین آمد	رکاب‌دار	آمد
معلم، چند کلمه را روی تخته نوشت	معلم	نوشت

۱۴- [۴۸]

شکاری	
	بازی
بچه‌ها	

۱۵- ۱- مَلِکِها ۲- بازی بچه‌ها ۳- گیاه باغ [۱۸] و [۴۸]

۱۶- کاری: زخم پیرمرد عمیق و کاری بود. کاری: دیروز کاری انجام ندادم. [۴۸]

۱۷- الف) گفتار بیهوده گفتن، گزافه گویی

ب) دُر (مروارید)

پ) آن خشت است که می‌توان زیاد ساخت به عبارتی دیگر سخن کوتاه و کم، مثل مروارید ارزشمند است و سخن زیاد مثل خشت فراوان و بی‌ارزش است. [۵۳] و [۵۴]

۱۸- کم گوی و گزیده گوی، چون در تا ز اند تو، جهان شود پر

لاف از سخن چو در توان زد آن خشت بود که پر توان زد

یک دسته گل دماغ پرور از خرمن صد گیاه، بهتر [۵۲]